

افزایش ۷ درصدی عرضه گوشت قرمز در کشور

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، مقایسه عملکرد کشتارگاه‌های رسمی کشور نشان می‌دهد مقدار عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌ها در مرداد سال جاری نسبت به ماه قبل (تیر) حدود ۷ درصد افزایش داشته است.

وزن گوشت قرمز عرضه شده انواع دام‌های ذبح‌شده در کشتارگاه‌های رسمی کشور مرداد امسال جمعا ۴۲ هزار و ۲۳۵ تن گزارش شده که سهم گوشت گاو و گوساله بیش از سایر انواع دام بوده است.

مقایسه عملکرد کشتارگاه‌های رسمی کشور در مرداد امسال با ماه مشابه سال ۱۴۰۳ نشان دهنده افزایش ۲۸ درصدی مقدار عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌های رسمی کشور است.

به شکل جزئی‌تر، بررسی‌ها حاکی از آن است که مقدار تولید گوشت در ماه گفته شده نسبت به ماه مشابه سال ۱۴۰۳ برای گوسفند و بره ۲۹ درصد، برای بز و بزغاله ۴ درصد، برای گاو و گوساله ۲۲ درصد، برای گاو میش و بچه گاو میش ۵۹ درصد و برای شستر و بچه شتر ۳ درصد افزایش داشته است.

همچنین نتایج حاصل از این طرح آمارگیری نشان می‌دهد مقدار عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌های رسمی کشور در مرداد سال جاری نسبت به ماه قبل (تیر) حدود ۷ درصد افزایش داشته است.

■ ■ ■

آغاز پیش‌فروش جدید سکه: بزودی

برنامه پیش‌فروش انواع قطعات سکه طلا با ضرب سال ۱۳۸۶ و سر رسید ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ بزودی از سوی بانک مرکزی اجرایی می‌شود.
مسئولان بانک مرکزی می‌گویند این طرح بخشی از سیاست‌های عرضه منظم طلا برای مدیریت تقاضا و کنترل نوسانات قیمتی در بازار است.

پیش‌فروش شامل ربع، نیم و تمام سکه ضرب ۸۶ خواهد بود و تحویل آنها در سر رسید تعیین‌شده انجام می‌شود. هم‌زمان، حراج‌های سکه این بانک در مرکز مبادله ارز و طلا نیز با همان رویه گذشته ادامه پیدا خواهد کرد تا جریان عرضه به بازار قطع نشود.

تجربه مراحل قبلی پیش‌فروش و حراج سکه نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت نقش ملموسی در تعدیل قیمت‌ها و باستن از هیجانات خرید ایفا کرده است.

به گفته عالان بازار، اطلاع‌رسانی دقیق درباره جزئیات پیش‌فروش، از جمله قیمت پایه، شرایط تک سفارش و نحوه تحویل، می‌تواند از شکل‌گیری بازارهای موازی و شایعات پیرامون این طرح جلوگیری کند.

■ ■ ■

شاخص کل بورس

به ۲٫۵ میلیون واحد رسید

بورس تهران دیروز در حالی با افت ۲۸ هزار واحدی شاخص کل و غلبه جو منفی روبه‌رو شد که صندوق‌های طلا برخلاف کلیت بازار تحت تأثیر رشد نرخ ارز مثبت بازگشایی شدند.

معاملات دیروز یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۴ بورس تهران در فضای منفی و متاثر از اخبار سیاسی دنبال شد و شاخص‌های اصلی بازار روند نزولی را تجربه کردند. شاخص کل بورس با افت ۲۸ هزار و ۴۷۰ واحدی معادل ۱٫۵ درصد، در ارتفاع ۲ میلیون و ۵۰۴ هزار واحدی متوقف شد. همچنین شاخص هوزن که نمای دقیق‌تری از کلیت بازار را نشان می‌دهد، با کاهش ۷ هزار و ۶۰۴ واحدی معادل ۰٫۹۷ درصد، در سطح ۷۷۴ هزار واحد ایستاد.

ارزش معاملات خرد سهام در بازار دیروز به حدود ۷۵ هزار میلیارد ریال رسید و بیش از ۱۰۵ هزار معامله در بورس به ثبت رسید. حجم معاملات نیز نزدیک به ۳۹ میلیارد سهم بود. اگرچه نسبت به ۲ روز گذشته از شدت خروج پول حقیقی‌ها اندکی کاسته شد اما همچنان غلبه فضای احتیاط و فشار فروش، کلیت بازار را تحت تأثیر قرار داد و سبب شد نمارش‌های اصلی بازار سرخ‌پوش شوند. در بین نمادهای اثرگذار بر شاخص کل، سهام شرکت‌های بزرگ نظیر «فولاد»، «هلی مس ایران»، «شیدیس»، «میدکو» و «کگل» بیشترین نقش را در افت شاخص ایفا کردند. همچنین در جریان دادوستدها، نمادهای «ایران خودرو»، «شستا»، «بانک ملت»، «بانک تجارت» و «وصادر» بیشترین حجم و ارزش معاملات را به خود اختصاص دادند. در سوی دیگر بازار، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا که به طور مستقیم از نوسانات نرخ ارز و بهای اونس جهانی طلا اثر می‌پذیرند، برخلاف کلیت بازار، برسپوش آغاز به کار کردند. رشد نرخ ارز طی روزهای اخیر، محرک اصلی افزایش تقاضا در این صندوق‌ها بود و سبب شد واحدهای صندوق‌های طلا با اقبال نسبی سرمایه‌گذاران و بازگشایی مثبت همراه شوند. این موضوع نشان داد در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، بخشی از نقدینگی همچنان به سمت دارایی‌های امنی همچون طلا حرکت می‌کند.

■ ■ ■

کاهش ذخایر سدها در آستانه پایین

بر اساس آخرین آمار از ابتدای سال آبی تا ۲۹ شهریورماه از وضعیت سدهای کشور، ۶۴ درصد حجم مخازن سدها خالی است. میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۲۹ ت شهریورماه معادل ۲۴٫۶۳ میلیارد مترمکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۴۲٫۰۳۱ میلیارد مترمکعب بوده، ۴۲ درصد کاهش داشته است. همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل با ۲۳ درصد کاهش مواجه بوده است.

حجم آب موجود مخازن اکنون ۱۸۸۳ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۲۵۰۰ میلیارد مترمکعب بوده ۲۵ درصد کاهش یافته است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۳۶ درصد است. بر اساس اعلام شرکت مدیریت منابع آب، وضعیت برخی سدهای مهم کشور بیانگر این است که در ۱۹ درصد پرشدگی کمتر از ۱۵ درصد است؛ سد لار، سد دوستی و طرق استان خراسان رضوی، سد ۱۵ خرداد حوضه قمرود، سد استقلال، شمیل، نیال و سرنی آذر بایجان غربی، سد سیفورد استان گیلان، سد سهم استان زنجان، سد رودبال داراب استان فارس، سد تنگوبیه سیرجان و سد نشتان کرمان و سد ساوه استان مرکزی کمتر از ۱۵ درصد آب دارند.

عدم تحقق هدف گذاری رشد اقتصادی در برنامه هفتم پیش‌رفت

اقتصاد منهای برنامه

کسری منابع مالی برای تحقق رشد ۸ درصد در سال ۱۴۰۴ به ۲۶۹۳ هزار میلیارد تومان رسیده، در حالی که ظرفیت تأمین مالی بودجه بسیار پایین‌تر است و دولت در زمینه جذب سرمایه بخش خصوصی و حتی استفاده از سایر ابزارهای مالی کم کاری کرده است



پاسخگوی نیازهای برنامه توسعه نیستند و باید به طور جدی به سمت ابزارهای مکمل تأمین مالی حرکت کرد.

■ جزئیات تأمین مالی بودجه ۱۴۰۴

دولت در مصوبه خود، روش‌های متنوعی برای تأمین مالی در نظر گرفته که شامل شبکه بانکی با ظرفیت ۱۵۶۰ همت، بازار سرمایه با ۷۸۰ همت از طریق عرضه اولیه، اوراق بدهی، شرکت‌های پروژه و ابزارهای نوین، سرمایه‌گذاری دولتی با ۱۳۱۵ همت، سرمایه‌گذاری خارجی با ۱۳۶ همت، صندوق توسعه ملی با ۴۱۰ همت، تأمین مالی ارزی با ۴۸ همت، آورده بخش خصوصی با ۷۰۰ همت، نهادهای عمومی غیردولتی با ۳۲۰ همت و شرکت‌های بیمه با ۲۰ همت است. در مجموع این ظرفیت‌ها اگرچه نسبت به سال گذشته افزایش یافته‌اند اما همچنان با نیاز واقعی فاصله دارند و نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات عمیق در ساختار تأمین مالی کشور است.

یکی از نمونه‌های بارز انحراف از برنامه، مصوبه هیات وزیران در خردادماه ۱۴۰۴ درباره حقوق ورودی خودروهای وارداتی است. در حالی که قانون بودجه نرخ ۱۰۰ درصدی را برای حقوق ورودی تعیین کرده بود، دولت با مصوبه‌ای جدید، این نرخ را به‌صورت پلکانی از ۲۰ درصد محاسبه کرد. این تصمیم، نه‌تنها درآمد پیش‌بینی‌شده از محل واردات خودرو را کاهش داده، بلکه به‌دلیل تأخیر در اجرای واردات، عملاً نیمی از سال بدون تحقق این درآمد سیری شده است. چنین تصمیماتی، نشان‌دهنده ضعف در انضباط مالی و عدم پایدندی به چارچوب‌های بودجه‌ای است که خود می‌تواند به کسری بودجه و افزایش فشار تورمی منجر شود. در منظر تحلیلی، تحقق رشد ۸ درصدی در برنامه هفتم توسعه، نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی کشور است. دولت باید به جای اتکای صرف به منابع سنتی، به سمت ابزارهای نوین تأمین مالی حرکت کند؛ از جمله توسعه بازار سرمایه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتشار اوراق پروژه‌محور و فعال‌سازی صندوق‌های توسعه‌ای. در کنار این، اصلاح ساختار هزینه‌ای دولت، کاهش ریسک‌های سیاستی، شفاف‌سازی مقررات و ایجاد اعتماد میان سرمایه‌گذاران، پیش‌شرط‌های غیرقابل چشم‌پوشی هستند. در غیر این صورت، رشد ۸ درصدی نه‌تنها محقق نخواهد شد، بلکه به یک هدف نمادین بدل می‌شود که در عمل، فاصله‌ای عمیق با واقعیت‌های اقتصادی کشور دارد. برنامه هفتم توسعه، اگرچه چشم‌اندازی بلندپروازانه

ترسیم کرده اما بدون اصلاحات ساختاری، منابع پایدار و مدیریت مؤثر اقتصادی، این چشم‌انداز به‌سختی قابل دستیابی خواهد بود.

■ مهم‌ترین موانع ساختاری بودجه

یکی از مهم‌ترین موانع ساختاری تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد در برنامه هفتم توسعه که کمتر مورد توجه قرار گرفته، مشکل مزمن در مدیریت پروژه‌های عمرانی کشور است. در حالی که در پیوسته‌های بودجه‌ای برای هر طرح عمرانی معمولاً زمان ۴ ساله تعریف می‌شود، متوسط عمر واقعی پروژه‌ها به بیش از ۲۰ سال رسیده است. این تأخیر مزمن، نه‌تنها بهره‌برداری از طرح‌ها را به تعویق می‌اندازد، بلکه به طور مستمر منابع مالی را مصرف می‌کند بدون آنکه عرضه کالا یا خدماتی ایجاد شود. نتیجه این چرخه معیوب، تحریک سمت تقاضا، فرونی آن بر عرضه و در نهایت فشار تورمی است.

در حال حاضر بیش از ۱۶۰۰ طرح ملی نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که برای تکمیل آنها حدود ۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز است. با این حال، سالانه کمتر از ۱۰۰ درصد این رقم برای آنها تخصیص داده می‌شود. این پدان معناست که نه‌تنها طرح‌های پایان نمی‌رسند، بلکه به پروژه‌هایی شبیه «آثار باستانی» بدل شده‌اند؛ نمادهایی از ضعف در تخصیص منابع و برنامه‌ریزی توسعه‌ای.

از سوی دیگر، تأمین مالی این طرح‌ها نیز با روش‌هایی پرهزینه انجام می‌شود. در بودجه سال ۱۴۰۴، انتشار ۸۵۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی پیش‌بینی شده است اما این اوراق هزینه‌های سنگینی را به پیمانکاران تحمیل می‌کند: ۱۷ درصد کارمزد به کارگزار، ۲۸ درصد سود اوراق و در مجموع حدود ۴۵ درصد هزینه اضافه. این فشار مالی نه‌تنها کیفیت پروژه‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه توان رقابتی شرکت‌های پیمانکاری را نیز از بین می‌برد. شرکت‌هایی که روزگاری در منطقه پروژه‌های رازآور اجرا می‌کردند، امروز به‌دلیل نظام تأمین مالی ناکارآمد، زمین گیر و بی‌انگیزه شده‌اند.

افزون بر این، فضای عمومی اقتصاد با انتظارات تورمی بالا، خود به عنوان یک محرک روانی، به افزایش قیمت‌ها دامن می‌زند.

در چنین شرایطی، بحث مدیریت ارز به یکی از نقاط چالش‌برانگیز سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است. در حالی که وزارت اقتصاد در تکرارخی‌شدن ارز تأکید دارد، بانک مرکزی با توجه به ماهیت صادرات و واردات کشور، این امر

«وطن امروز» از دلایل ناترازی در بازگشت ارز گزارش می‌دهد

شکاف در سیاست‌گذاری ارزی

اولیه و تجهیزات مواجه شده‌اند که این امر تولید را مختل و اشتغال را تهدید می‌کند و در نهایت، اعتماد فعالان اقتصادی به نظام ارزی کشور، به دلیل اجرای ناقص و غیرشفاف سیاست‌ها، بشدت تضعیف شده است.

برای اصلاح این وضعیت، کارشناسان اقتصاد چند راهکار کلیدی پیشنهاد می‌کنند: نخست، اعلام فوری و کامل تمام کدهای تعرفه مشمول بازگشت ارز، تا زمینه سوءاستفاده از خلأ قانونی از بین برود؛ دوم، تقویت سامانه‌های هوشمند تجاری و گمرکی برای جلوگیری از اظهار خلاف واقع و شناسایی تخلفات در لحظه؛ سوم، افزایش شفافیت عملکرد کارگروه بازگشت ارز با نظارت مؤثر مجلس و نهادهای مستقل و چهارم، ممنوعیت واردات کالاهای لوکس با ارز صادراتی و تمرکز بر تأمین نیازهای تولیدی و ضروری کشور.

در مجموع، ماجرای بازگشت ارز صادراتی، آزمونی جدی برای دولت در حوزه حکمرانی اقتصادی است. آیین‌نامه‌ها و قوانین اگرچه بدرستی تدوین شده‌اند اما بدون اجرای دقیق، شفاف و عادلانه، نه‌تنها اثربخش نخواهند بود، بلکه خود به بستری برای فساد، رانت و بی‌ثباتی تبدیل می‌شوند. اصلاح ساختار اجرایی، تقویت نظارت و بازگرداندن اعتماد فعالان اقتصادی، تنها راه عبور از این بحران و تضمین بازگشت واقعی ارز صادراتی به چرخه اقتصاد ملی است.

■ جزئیات ماجرای بازگشت ارز صادراتی

نکته نگران‌کننده‌تر آن است که پس از انتقادات گسترده، حد نصاب رفع تعهد از ۶۰ به ۷۰ درصد افزایش یافته اما همچنان هیچ ضمانت اجرایی مؤثر برای الزام صادرکنندگان به بازگشت کامل ارز وجود ندارد. صادرکنندگانی که این حد نصاب را رعایت می‌کنند، همچنان می‌توانند باقیمانده ارز خود را در بازار آزاد یا مسیرهای غیررسمی عرضه کنند، بدون آنکه با محدودیت یا جریمه‌ای مواجه شوند. این خلأ نه‌تنها به تضعیف سیاست ارزی کشور منجر شده، بلکه به شکل‌گیری رانت‌های جدید، قاچاق ارزی و بی‌اعتمادی گسترده در میان فعالان اقتصادی دامن زده است.

از منظر تحلیلی، این وضعیت چند پیامد کلان برای اقتصاد

آذر ۱۴۰۱، صادرکنندگان بزرگ در حوزه‌های پتروشیمی، پالایشگاهی، فولاد، فلزات رنگین و فرآورده‌های نفتی را موظف کرده ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازگردانند. همچنین در تبصره‌ای از این ماده، واردات با ارز صادراتی تنها در صورت دریافت مجوز از «کارگروه بازگشت ارز» مجاز شمرده شده است. این ماده، ستون اصلی سیاست ارزی دولت در بخش صادرات غیرنفتی محسوب می‌شود اما اجرای ناقص آن، بویژه تأخیر در اعلام کدهای تعرفه مشمول، زمینه‌ساز تخلفات گسترده شده است.

کارگروه بازگشت ارز، فهرست کالاهای مشمول را نه در زمان تصویب آیین‌نامه، بلکه به صورت قطره‌چکانی و با فواصل چندماهه اعلام کرده است. این تأخیر به صادرکنندگان فرصت داده با اطلاع از خلأ قانونی، کالاهایی را صادر کنند که هنوز مشمول بازگشت ارز نشده‌اند. برای مثال، در حوزه فلزات صادرکنندگان با گلهی از اینکه برخی محصولات مانند کاندمس یا مفتول‌های خاص هنوز در فهرست مشمول قرار نگرفته‌اند، ارز حاصل از صادرات را به واردات کالاهای لوکس مانند گوشی آیفون اختصاص داده‌اند؛ اقدامی که نه‌تنها خلاف روح آیین‌نامه است، بلکه به سوده‌ای بادآورده هزاران میلیاردی برای برخی صادرکنندگان منجر شده است.

در مواردی دیگر، قاچاق کالا با اظهارنامه‌های خلاف واقع نیز گزارش شده است. به عنوان نمونه، ثبت الیاز برنج به جای مس در یکی از گمرکات شمالی کشور، نمونه‌ای از گزارشاتی است که هنوز نتیجه بررسی آن از سوی وزارت اقتصاد اعلام نشده است. این موارد نشان می‌دهد ضعف در نظارت، نبود شفافیت و اجرای سلیقه‌ای آیین‌نامه‌ها، بستری برای فساد و اخلال در بازار ارز فراهم کرده است.

پیامدهای اقتصادی این ترک فعل‌ها بسیار سنگین است. نخست، کاهش عرضه ارز در سامانه نیما و مرکز مبادله، موجب افزایش تقاضا در بازار آزاد و در نتیجه رشد نرخ ارز شده است. دوم، واردات کالاهای غیرضروری با ارز صادراتی، هزینه‌های مصرفی را بالا برده و فشار تورمی را تشدید کرده است. سوم، صنایع داخلی مانند فولاد و مس، با کمبود ارز برای واردات مواد

گروه اقتصادی؛ در برنامه هفتم پیش‌رفت، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مستمر در سطح ۸ درصد به عنوان یکی از اهداف کلان کشور تعیین شده است اما عملکرد دولت چهاردهم در سال نخست اجرای این برنامه، نشان می‌دهد تحقق این هدف با موانع جدی روبه‌رو است. پیش‌بینی‌ها درباره افزایش کسری بودجه، بویژه در پی تصمیمات انحرافی مانند کاهش حقوق ورودی خودروها، نه‌تنها منابع مالی دولت را محدود کرده، بلکه به تشدید تورم از ابتدای سال جاری دامن زده است. در کنار این، طولانی شدن پروژه‌های عمرانی، تأمین مالی پرهزینه و نبود مدیریت مؤثر در تخصیص ارز، همگی به چرخه‌ای از ناهماهنگی منجر شده که رشد اقتصادی را از مسیر واقعی دور می‌کند. این گزارش به بررسی ابعاد ساختاری، مالی و اجرایی برنامه توسعه، نشان می‌دهد بدون اصلاحات نهادی و بازنگری در اداره اقتصاد، هدف رشد ۸ درصدی بیش از آنکه یک برنامه باشد، به یک آرمان دست‌نیافتنی تبدیل خواهد شد.

از افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی گرفته تاصلاح نظام بودجه، ارتقای بهره‌وری، بهبود فضای کسب‌وکار و تقویت اقتصادی، همه این موارد باید به‌طور هم‌زمان و هماهنگ پیش بروند تا رشد ۸ درصدی از شعار به یک واقعیت تبدیل شود. با این حال، کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند بدون رفع ناترازی انرژی، اصلاح نظام بانکی، کاهش ریسک‌های سیاستی و ایجاد ثبات در محیط کلان اقتصاد، این هدف بیشتر جنبه نمادین خواهد داشت تا عملیاتی. بویژه در شرایطی که بخش قابل‌توجهی از صنایع کشور با مشکل فرسودگی ماشین‌آلات و افت بهره‌وری مواجهند و تمرکز نقدینگی در پایتخت به جای هدایت به سمت تولید، خود به مانعی برای رشد تبدیل شده است.

بر اساس مصوبه دولت در سال ۱۴۰۴، برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد، با در نظر گرفتن نرخ استهلاک سرمایه (۴٫۶ درصد)، سهم نیروی کار (۱٫۸ درصد) و سهم بهره‌وری (۲٫۸ درصد)، نیاز به سرمایه‌گذاری به میزان ۷۹۸۴ هزار میلیارد تومان وجود دارد. این رقم باید از منابع دولتی، خصوصی، تعاونی و خارجی تأمین شود اما بررسی ظرفیت‌های موجود نشان می‌دهد کل منابع قابل تأمین در سال جاری حدود ۵۳۰۰ هزار میلیارد تومان است؛ به عبارتی، اقتصاد ایران با کسری منابع مالی‌ای بالغ بر ۲۶۹۳ هزار میلیارد تومان مواجه است. این شکاف مالی، عملاً نشان می‌دهد منابع داخلی اعم از بودجه عمومی به‌تنهایی

گروه اقتصادی؛ ماجرای بازگشت ارز حاصل از صادرات بار دیگر به یکی از مناقش‌برانگیزترین موضوعات اقتصاد ایران تبدیل شده است. در حالی که دولت و بانک مرکزی با هدف مدیریت منابع ارزی کشور، آیین‌نامه‌هایی را برای الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز تدوین کرده‌اند، گزارش‌های متعدد از تخلفات، ترک فعل و سوءاستفاده‌های ساختاری حکایت دارد. جزئیات ماجرای بازگشت ارز صادراتی، با افشاش‌های تازه حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، وارد مرحله‌ای حساس‌تر شده است. صمصامی در نامه‌ای رسمی خطاب به رئیس‌جمهور، وزرای اقتصاد و صمت و رئیس کل بانک مرکزی درباره عملکرد کارگروه بازگشت ارز، مدعی شد یکی از مصوبات این کارگروه، زمینه‌ساز عدم بازگشت بیش از ۳۰ میلیارد دلار ارز صادراتی به کشور شده است؛ رقمی که در شرایط فعلی می‌تواند معادلات ارزی کشور را به کلی دگرگون کند.

وی با اشاره به نخستین جلسه این کارگروه از تصمیمی پرده برداشته که به‌عزم، او تخلفی آشکار و ساختاری است. طبق این مصوبه، حد آستانه اعلام محدودیت‌های ناشی از عدم بازگشت ارز، ۶۰ درصد تعیین شده است؛ یعنی صادرکنندگای که ۶۰ درصد ارز خود را بازگرداند، مشمول محدودیت‌های قانونی نخواهد شد. این در حالی است که ماده ۸ آیین‌نامه صراحتاً همه صادرکنندگان را مکلف به بازگشت ۱۰۰ درصدی ارز می‌داند و بند ۸ ماده ۸ نیز صرفاً به محدودیت در اعطای مشقوق‌ها و معافیت‌ها اشاره دارد، نه به تعیین سقف تعهد ارزی. بنابراین، کارگروه بازگشت ارز نه‌تنها از حدود اختیارات قانونی خود فراتر رفته، بلکه با این مصوبه، عملاً راه قرار قانونی از بازگشت کامل ارز را برای برخی صادرکنندگان فراهم کرده است.

این ادعا با گزارش‌های پیشین رسانه‌ها نیز همخوانی دارد. برای نمونه از مجموع ۵۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی ایران در سال گذشته، حدود ۲۰ میلیارد دلار از به چرخه رسمی اقتصاد بازنگشته است. این رقم، معادل یک‌سوم کل درآمد ارزی صادرات کشور است و نشان‌دهنده شکاف عمیق میان سیاست‌گذاری و واقعیت‌های اجرایی است.

درواقع ماده ۸ آیین‌نامه بازگشت ارز صادراتی، مصوب ۱۵